

مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان

دوره دوم، شماره بیست و ششم و بیست و هفتم

پاییز و زمستان ۱۳۸۰، صص ۲۲۹ - ۲۰۹

نقش روحانیون اصفهان در انجمن ولایتی بر اساس مندرجات روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان

مهدی مهرعلیزاده*

چکیده

مقاله حاضر برآمده از طرح پژوهشی با عنوان «تحشیه و تحلیل و چاپ روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان» می‌باشد، که برای اولین بار مورد بررسی، تحلیل و تحشیه قرار گرفته است.

مقاله ابتدا به تبیین جایگاه و موقعیت روحانیون اصفهان مقارن با شکل‌گیری نهضت مشروطیت پرداخته سپس موضوع مشروطیت در اصفهان و علل حمایت گسترده روحانیون اصفهان از آن را مورد بررسی قرار داده است. پیروزی نهضت مشروطیت و تأثیر آن بر شکل‌گیری انجمن‌های ایالتی و ولایتی در اصفهان، علل و انگیزه حمایت روحانیون از انجمن ولایتی و شکل و تداوم آن، از ابتدا تا وقوع کودتا علیه نهضت، نیز مورد توجه قرار گرفته است. بررسی بافت، ابعاد، شئون و اختیارات و اقدامات انجمن ولایتی اصفهان و روزنامه ارگان آن در ادامه مقاله پیگیری شده است. آخرین موضوعی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته، شناخت مواضع انجمن ولایتی اصفهان در قبال نهادهایی همچون مجلس شورای

ملی، شاه و سلطنت، مشروطه و شخصیت‌های مقتدر معاصر خود می‌باشد. در این بخش سعی شده است، دیدگاه و اقدامات انجمن با انگیزه شناخت حدود استقلال و کارایی آن بررسی شود.

واژه‌های کلیدی

انجمن ولایتی اصفهان، نهضت مشروطیت ایران، آیت‌الله حاج آقا نورالله اصفهانی، مجلس شورای ملی، روحانیون، حریت، مردم، رأی، روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان.

روحانیون و مشروطیت در اصفهان

اصفهان از جمله معدود مناطقی در ایران است که مجال آن را یافت تا در گذر تاریخ شاهد بروز آرا و نظریات گوناگون، پیدایش مکاتب و نحله‌های فرهنگی متفاوت و در نتیجه مأمّن سلیقه‌های فرهنگی، اجتماعی و دینی ناهمگون باشد.

در این منطقه در هر برهه زمانی، حرف اول را در زمینه فرهنگی به‌ویژه مذهبی، گروهی گفته‌اند، زمانی مسلمانان سنی مذهب و گاهی شیعیان، اقوام و پیروان سایر ادیان این منطقه نیز در اوج قدرت سیاسی و دینی اکثریت، در آرامش بیشتری نسبت به سایر نقاط زیسته‌اند. مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان، از آن جمله‌اند که از حاکمیت روحیه تساهل و تسامح اسلامی بر مردم منطقه بهره برده و شاید آزادتر و امن‌تر از زیستگاه اصلی خود، مظاهر فرهنگ و تمدن قوم و نحله خویش را در اصفهان به نمایش گذاشته‌اند (۴ / ص ۶۵-۹۱).

تداوم رویه تساهل و تسامح در اصفهان و خو گرفتن مردمش با آزاداندیشی که خود برآمده از اعتقاد دیرینه به اصل اسلامی «بشارت دهید کسانی را که اقوال گوناگون را می‌شنوند و بهترین را انتخاب می‌کنند» (قرآن، زمر، ۱۸) بود. این اعتقاد در مردم زمینه مساعدی به وجود آورد تا در اواخر قرن سیزده شمسی - اوایل قرن بیستم میلادی - که جوامع بشری در همه جا دستخوش رستاخیز فراگیر اصلاح ساختار سیاسی کشورها شدند و تشنه آگاهی و رهایی از وضع نابسامان خود و جامعه بودند و نهضت‌های آزادی‌بخش یکی پس از دیگری از اقصی نقاط گیتی در برابر استعمار خارجی و استبداد

داخلی قد برافراشته بودند (۵/ ص ۱۵)، در کهن سرزمین ما ایران هم مردم به مدد دلسوزان صادق قوم در برابر غفلت طولانی و خودفراموشی حیرت آور حاکم بر همه شئون زندگیشان ایستادند و تلاش کردند تا تمامی آرزوهای خود را در زمینه‌های سیاست، اجتماع، فرهنگ و اقتصاد با به ثمر رساندن نهضت اصیل و پویا و مردمی خویش، تحقق بخشند.

نهضت مشروطیت مردم ایران در اندک زمانی درخشید و ملت ایران در بدو امر همه توان خود را در بالندگی آن به کار گرفت. دین که گرانسنگ‌ترین سرمایه معنوی مسلمان ایرانی بود، راهبریش را به عهده گرفت. هرچند که گروهی بر آن عقیده بودند که: علل و زمینه‌های نهضت زاینده تفکر اسلامی است (۷/ ش ۳۰، ص ۱) و شکل اجرایی را از دیگر ملل گرفته است (۷/ ش ۲۹، ص ۲) و در گذر از مراحل طاقت فرسا با پشت سرگذاشتن موانع عدیده رهبر و حامی کارآمد واقعی آن روحانیت تشیع بوده است (۸/ ش ۳، ص ۶).

اعتقاد جدی بر این بود که: مشروطیت موهبتی الهی است برای اجرای حدود احکام تعطیل شده اسلام. حتی آن دسته از روحانیون که بعدها متهم به مخالفت با مشروطه شدند، سخت بر این باور بودند که: مخالف با مشروطه و مجلس شورایی صحیح، سخیف‌العقل و دوستدار ظلم می‌باشد (۱۱/ ص ۵۱-۲۷). واضح است که دست کم از دیدگاه آن دسته از روحانیون شیعه که در ایران و خارج از ایران همه توان خود را در زمینه پیروزی مشروطیت و تحکیم آن به کار گرفته بودند، مشروطیت نه تنها هیچ گونه مغایرتی با اسلامیت مردم ایران نداشت (۷/ ش ۳۸، ص ۲۳)، بلکه بر این باور بودند که موجب ترویج دین ضعیف شده خواهد بود. دیدگاه فوق ویژه پایتخت‌نشینان نبود، در اصفهان نیز همچون شهرستانهای بزرگ کشور - که کم و بیش در شکل‌گیری و تداوم مشروطه دستی داشتند - تلقی روحانیون و نگرش مردم و نهادهای اجتماعی حاکی از آن بود که نهضت مشروطیت مساوی با اسلام و قوانین آن برگرفته از متن شریعت می‌باشد (۷/ ش ۳۷، ص ۴) و جز با رهبری روحانیون زمینه پیدایش نداشت (۷/ ش ۳۸، ص ۲). نهاد روحانیت اصفهان در عصر مشروطیت منسجم، مقتدر و از جنبه تخصصی کارآمد و نظراتش نافذ بود. هنوز اقرار ساده لوحانه ناصرالدین شاه - مستبدی که یکی از

طولانی‌ترین ادوار سلطنت در ایران را داشته است - در خاطره‌ها بود که بعد از درگذشت آیت‌الله میرزا سید محمد امام جمعه و روحانی برجسته اصفهان ناباورانه احساس درونی خود را این چنین بیان داشت که: «امروز می‌توانم بگویم اصفهان مال من است»^۱ لذا اقتدار روحانیون در اصفهان مقارن نهضت مشروطیت علی‌رغم حضور شاهزاده‌ای مستبد چون ظل‌السلطان - که همه چیز و همه کس را ملک شخصی خود می‌شمرد و برای احدی جز خود حقی قایل نبود - محسوس و تعیین کننده بوده است (۲/ص ۷۸).

مقارن نهضت مشروطیت و زمانی قبل از آن زعامت روحانی شهر و روحانیون اصفهان با آیت‌الله محمدتقی نجفی مشهور به حجة الاسلام یا آقانجفی (۱۳۳۲-۱۲۶۲) و برادرش آیت‌الله حاج آقا نورالله اصفهانی مشهور به ثقة الاسلام (متوفی ۱۳۰۶ ش) که در عرصه حضور در امور اجتماعی و سیاسی کشور میان روحانیون مشابه زیادی نداشت، بوده است (۲/ص ۳۹۳).

آقانجفی فرزند حاجی شیخ محمدباقر اصفهانی (متوفی ۱۳۰۱ ق) از یک خانواده بزرگ اصفهانی بود (۵/ص ۱۵۳) و در محضر امام مجدد آیت‌الله میرزای شیرازی درس خوانده و مورد وثوق و اطمینان وی بود که در جریان نهضت تحریم تنباکو به حمایت از فتوای استاد قیام کرد (۶/ص ۹). آیت‌الله حاج آقا نورالله که سوابق روشن و مواضع صریحی در مبارزه با استبداد و استعمار داشت، از جمله مراجع اعلم کشور بود. جایگاه سیاسی اجتماعی این خانواده را باید به گونه‌ای نمایاند که واقعیات آن زمان را به درستی شامل شود. نباید فراموش کرد که حکومت چندین ساله ظل‌السلطان در اصفهان - که باید آن را دوران وحشت و رکورد همه جانبه اصفهان نامید - با پافشاری ایشان برافتاد (۷/ش ۱۲، ص ۵) و آنگاه که مجلس شورای ملی قصد داشت نیرالدوله را به حکومت اصفهان بگمارد، ترضیه خاطر آقانجفی و کسب موافقت ایشان را پی گرفت. در مطالعه برخی اسناد و مکاتبات این دوره، نکته شایان توجهی به چشم می‌خورد که حاکی از تقدم نام حجة الاسلام بر نام حاکم اصفهان است (۷/ش ۳۸، ص ۵). این امر موضوع کوچکی نبود که از نظر عمال متفرعن حکومت کم‌اهمیت باشد. حتی سفیر عثمانی که پس از مشروطه نظامیان کشورش نقاط قابل ملاحظه‌ای از غرب ایران را اشغال کرده بودند و به اعتراضات دولت ایران وقعی نمی‌نهادند، خود را موظف دانست که با ارسال

نامه‌ای مفصل و توجیه‌کننده اعمال دولت خود را کتمان نماید و سعی در ترضیه خاطر ایشان داشته باشد (۷/ ش ۴۴، ص ۵). آقاجنقی نه تنها روحانی مورد وثوق آیت‌الله آخوند خراسانی چهره برجسته روحانیت تشیع در عتبات بود و مردم ولایت اصفهان نظر ایشان را مطاع می‌دانستند، بلکه روحانیون و مشروطه‌خواهان از سواحل خلیج فارس گرفته تا ایالات و ولایات فارس، یزد، کرمان و چهارمحال بختیاری و... روحانیون و انجمن اصفهان را حامی خود دانسته و گزارش امور را به ایشان ارائه می‌دادند (۷/ ش ۱۴، ص ۷ و ش ۲۷، ص ۲ و ش ۱۸، ص ۶).

مندرجات روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان که ارگان انجمن ولایتی اصفهان بود و مطالبش را می‌توان به‌عنوان نظرها و مواضع اعضای انجمن به‌خصوص روحانیون طراز اول شهر که رهبری انجمن و مشروطه اصفهان را عهده‌دار بودند دانست، حکایت از آن دارد که نهضت مشروطیت در کشور و اصفهان بدون حمایت و تلاش روحانیون تحقق نمی‌یافت (۷/ ش ۳۸، ص ۲) و در هر مرحله که نهضت با مشکل اساسی روبه‌رو بود از حمایت جدی و گسترده آیت‌الله نجفی بهره‌مند می‌شد. وی گفته است: «از قرار مسموع دوباره بعضی مستبدین عازم مخالفت با مجلس مقدس شده‌اند. بحمدالله مجلس مورد نظر مبارک حضرت حجة‌الله صلوات‌الله علیه است. عموم علمای اسلام خصوصاً علمای اصفهان حمایت از مجلس دارند. عموم اهل اصفهان فدائیان مجلس شورای ملی و مجالس مقدسه انجمن‌های ملیه و اسلامیه هستند» (۷/ ش ۳۶، ص ۲۳). این مطلب نشان می‌دهد که مشروطه و مجلس شورای ملی و انجمن ولایتی چون مورد نظر امام عصر (عج) می‌باشند، اهل اصفهان فدایی آن هستند. غیر از این نیز انگیزه دیگری نمی‌توانست روحانیون و مردم را به‌نحوی در حمایت از نظام نوظهور متقاعد سازد که تمامی علمای طراز اول اصفهان در منزل آیت‌الله نجفی جمع شده و در حمایت از مشروطه سوگند یاد نمایند (۷/ ش ۴۹، ص ۶) و انجمن‌های متعدد در دفاع از آن ایجاد کنند (۷/ ش ۳۶، ص ۲ و ش ۳۸، ص ۳) و حتی با آن دسته از علما که معترض به مشروطه بودند عملاً به مخالفت برخیزند (۸/ ش ۳، ص ۷) و علی‌رغم عدم درک آن از جانب برخی از مردم و بی‌تفاوتی بیشتر آنها در قبال سرانجام آن (۷/ ش ۱۵، ص ۱) از نهضت حمایت کنند. جراید بارها یادآوری کردند که «حجج اسلام از جان گذشته و این مجلس مقدس را

برپا نمودند از برای آنکه ریشه کفر را قلع و قمع نمایند» (۷/ش ۳۹، ص ۱). و در حمایت از مشروطه تا مرحله دفاع نظامی از نهضت ایستادگی کردند و علیه محمدعلی شاه و اطرافیان‌ش فتوا دادند (۸/ش ۲۸، ص ۶).

اکنون پاسخ به این سؤال مهم ضرورت دارد که روحانیون اصفهان در مشروطیت چه می‌یافتند و از مشروطه چه تلقی داشتند که تا این حد در پایداری آن اصرار ورزیدند؟ در پاسخ، روزنامه انجمن مقدس ملی گزارش می‌دهد که «عقیده اهل اصفهان از علما و سایرین آن است که طریق احیا و بقاۃ اسلام و رفع مفسد و نجات از اجانب منحصر است به مجلس» (۸/ش ۳، ص ۸) و در جای دیگر نوشته است که: سی نفر از اعظام روحانیون اصفهان که اغلب مجتهدین و مراجع تقلید بودند بر ورقه‌ای مهر نهادند که محتوای آن، مبنای مشروطیت را بر اساس مقدس اسلام و احیای شریعت می‌دانستند. از دید آنها «اول قانون مشروطه عبادت حق و متابعت انبیاء تلقی گردید» (۷/ش ۴۵، ص ۱). و از آنجا که علما را بانی تشکیل مجلس شورای ملی می‌دانستند، لذا «قانون فرنگی آن را هم ترجمه فقه خود می‌شمردند» (۷/ش ۳۷، ص ۴). در تفکر روحانیت و مردم مشروطه خواه اصفهان هیچ گونه تفاوتی بین مشروطه و اسلام وجود نداشت و بر این اساس حفظ اسلام را موکول به حفظ مشروطه دانستند. با حربه مشروطه مترصد رها کردن ایران از چنگال روس و انگلیس و برداشتن رسوم فرنگی از ایران بودند! (۷/ش ۳۹، ص ۱). حتی آیت‌الله آخوند خراسانی از عتبات به آقاجفی نوشت «چطور است که ما در هر یک از فروع ناوړه فقه چندین ماه بحث و تحقیقات می‌نماییم. امر مشروطیت که از اهم فرایض امروزه است متروک نماند. خوب است در این باب محکم مستحکم مدتی (در دروس حوزه) مباحثه و مذاکره نماییم» (۷/ش ۳۸، ص ۲).

البته باید این مهم را متذکر شد که از دیدگاه روحانیون حامی مشروطیت در اصفهان، وظیفه نمایندگان مجلس دخالت در شریعت نبود و آزادی مطرح شده به معنای حریت در مذاهب تلقی نمی‌شد و مخالفت خود را با آن ابراز کرده بودند (۷/ش ۳۳، ص ۲). لذا با همان شور و اشتیاقی که از مشروطه دفاع کردند از مشروعه شدن حکومت و تصویب متمم قانون اساسی که حاصل تلاش مشروعه خواهان نهضت مشروطه بود نیز استقبال نمودند (۷/ش ۴۲، ص ۱).

روحانیون و انجمن مقدس ملی اصفهان

روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان در نخستین شماره خود که به تاریخ ۲۱ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ هـ. ق منتشر گردید خبر داد که: «روز شنبه ششم ذی‌قعدة ۱۳۲۴ هـ. ق انجمن مقدس در چهلستون افتتاح گردید... و آقای حجة الاسلام و ثقة الاسلام... در اطاق نشسته مجلسی آراستند». ریاست انجمن با حاجی آقا نورالله (ثقة الاسلام) بود (۹/ ص ۲۹۰). در شروع کار جلسات انجمن دو روز در هفته بعد از ظهر روزهای شنبه و سه‌شنبه برگزار می‌گردید و در مواقع بروز حوادث و مشکلات بزرگ برای کشور جلسات انجمن به صورت سری یا هر روز تشکیل می‌شد (۸/ ش ۲، ص ۲).

در بدو امر نظامنامه و دستورالعمل قانونی خاصی جهت تشکیل انجمن وجود نداشت و اعضای اولیه انجمن ولایتی اصفهان را مشروطه‌خواهان اصفهان اعم از روحانیون و بازاریها تشکیل می‌دادند. افراد هر چه بانفوذتر و وجیه‌المله‌تر، در انجمن مقتدرتر بودند. بر اساس مندرجات روزنامه انجمن، روحانیون اصفهان در انجمن نقش و حضور مقتدری داشتند به گونه‌ای که بدون ایشان تصور شکل‌گیری و تداوم پرقدرت انجمن ممکن نبود. از میان خیل روحانیون موافق با مشروطه آقایان آیت‌الله آقاجفی و ثقة الاسلام حاجی آقا نورالله (۷/ ش ۲، ص ۷) و شریعتمداران آقا سید ابوالقاسم دهکردی، آخوند ملا عبدالکریم جزئی، آقا شیخ مرتضی یزدی، آقامیرزا محمدعلی کلباسی، شیخ الاسلام، آقا سیدسراج‌الدین صدرعاملی (۹/ ۲۹۱) آقا سید محمدباقر سدهی، حاجی میرزا ابوالحسن بروجرودی، آقامیرزا علی زنجانی، حاج علی‌بابا مازندرانی (۷/ ش ۳، ص ۳) و از میان اعیان و تجار حاجی ملک‌التجار، حاجی محمدحسین کازرانی، و میرزا رضاخان نائینی، محاسب‌الدوله و حاجی مشیرالملک (۹/ ۲۹۰) از اعضا یا حضار برجسته در انجمن ولایتی اصفهان بودند. بر اساس گزارش روزنامه اعضای انجمن اصفهان محدود به افراد فوق نبود بلکه: «در ساعت مذکور حجة الاسلام و ثقة الاسلام مدظلهما و سایر علما، تجار و وجوه اعیان در مجلس بار عام کردند و جمعیت عمومی هم بسیار بود» (۷/ ش ۱، ص ۳).
طبعاً تعداد فراوان اعضا و حاضران در انجمن و ازدحام گسترده شش هزار نفری مردم در محل تشکیل انجمن (۷/ ش ۵، ص ۳) باعث بروز اعتراضاتی از داخل و خارج انجمن به بی‌نظمی در جلسات آن شده بود. مردم از انجمن توقعات بیجا داشتند

(۷/ش ۲، ص ۳) و مترصد حل مشکلات و مرافعات شخصی خویش بودند، مشکلاتی کوچک و شخصی که در طول سالهای طولانی مجال گفتن آنها را نداشتند. در این میان آقای ثقة‌الاسلام بود که دایم به گوش انجمن‌نشینان اصفهانی و مردم می‌رسانید که: «وظیفه این انجمن مقدس مذاکره در اصلاحات کلیه و مشاوره در امورات نوعیه است و رسیدگی به جزئیات امور، خارج از وظیفه اوست» (۷/ش ۳، ص ۲). به تدریج احساس شد که بدون دستورالعمل و روشی مدون، انجمن کارآیی لازم را ندارد و قادر به ادامه حیات نیست. لذا با توجه به اینکه مجلس شورای ملی نیز قانونی در این زمینه وضع نکرده و دایم خبر از آن می‌داد که مجلس در حال تدوین نظامنامه انجمن‌های ولایتی و بلدی می‌باشد، به ناچار اصفهانی‌ها خود درصدد چاره‌جویی برآمدند. در جلسه روز شنبه ۱۴ ذیحجه ۱۳۲۴ نظامنامه موقتی را که خود تهیه کرده بودند، تصویب کردند. «در ابتدا این نظامنامه موقتی را یک نفر با صدای بلند قرائت کرد تا از مجلس تهران نظامنامه انجمن برسد که چندیست اهالی منتظر هستند» (۷/ش ۵، ص ۳).

در نظامنامه موقتی انجمن ولایتی اصفهان نحوه انتخاب اعضا، وظایف انجمن و حیطة اختیارات آن در پانزده فصل بیان شده بود. از این زمان به بعد انجمن فعالیت و اقدامات خود را بر اساس این نظامنامه ادامه داد و اعضای قبلی انجمن تثبیت شدند. هر چند که این امر تا ماهها بعد مورد اعتراض برخی مشروطه‌خواهان بود و به صراحت در جلسه روز سه‌شنبه ۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ چنین مطرح شد: «آسید ابراهیم اجازه نطق خواسته اظهار داشت که... این انجمن چنانکه باید نیست و اجزا، آن‌طور که شاید نیستند و اجزاء به انتخاب ملت تعیین نشده، باید انتخاب (انتخابات) شوند». گرچه عده‌ای این بیان را ضدیت با ثقة‌الاسلام تلقی کردند و بلافاصله ابراز داشتند که: «حاضرین انجمن و عموم مردم متفق‌الکلمه ندا کردند، ثقة‌الاسلام را می‌خواهیم و جداً باید در انجمن باشند» (۷/ش ۱۶، ص ۸). اما از بُعد دیگر باید اذعان داشت که آزادی بیان افراد در انجمن اصفهان تا مرحله درخواست تعطیلی انجمن و زیر سؤال بردن اعضای آن از جانب منتقدینش تضمین شده بود.

انجمن ولایتی اصفهان تلاش کرد تا به تدریج نظم مورد نظر خود را در انجمن‌های تشکیل شده در سطح ولایت اصفهان - که پس از این از آنها سخن گفته

خواهد شد - اعمال نماید. لذا بافت این قبیل انجمن‌ها را در قالب دستورالعمل‌هایی به شهرها و قراء مختلف ولایت اصفهان ابلاغ کرد (۷/ ش ۹، ص ۵) و از آنجا که برای موضوع تجارت در اصفهان شأن و جایگاهی ویژه قایل بودند، انجمن - یا مجلس - تجارتي اصفهان را به عنوان انجمن اقماری که مسائل و مشکلات بخش بازار و تجارت را مستقل از سایر موضوعات مورد بررسی قرار می‌داد، تأسیس نمودند. این انجمن به دعوت حاجی محمدحسین کازرانی بازرگان مشهور اصفهانی، از تجار عمده شهر تشکیل شد و دارای ۱۲ عضو بود (۷/ ش ۱۰، ص ۲).

پس از تصویب نظامنامه انجمن ولایتی در مجلس شورای ملی، در اصفهان نیز انتخابات رسمی منطبق با قانون آغاز شد. از آنجا که در این نظامنامه تعداد اعضای انجمن بین اقلشار مختلف تقسیم شده بود، انجمن ماهیتی طبقاتی داشت (علما ۵ نماینده، تجار ۴ نماینده، طلاب ۲ نماینده و برخی از صنوف هر یک، یک نماینده) (۷/ ش ۲۲، ص ۶ و ش ۲۵، ص ۷). هر گروه و صنف شروع به فعالیت انتخاباتی کردند. پس از تکمیل تدریجی انتخابات انجمن، که با انتخاب دو نماینده طلاب به نامهای آقا سیدمحمدحسن قمشه‌ای و آقامیرزا محمدعلی کلباسی در ۱۸ رمضان ۱۳۲۵ تقریباً کامل شد، آقای ثقة‌الاسلام و میرزا ابوطالب خواهان رعایت دقیق نظم و قانون در کار انجمن شدند و رئیس انجمن طی اخطاری غیرمرسوم گفت: «از این هفته باید ترتیبی فراهم کرد که هر کس در ورود به انجمن محترم حد خود را بداند». آیا مخاطبین این سخن ثقة‌الاسلام هرج و مرج طلبان حاشیه انجمن و شهر بودند یا معترضین به قدرت بلامنازع خود را - به عنوان اول منتخب اصفهان - تلویحاً تهدید می‌کرد؟ این نکته جای تعمق دارد (۷/ ش ۳، ص ۲).

از این دوره به بعد نیز انجمن تحت سرپرستی قانونی آیت‌الله ثقة‌الاسلام و نظارت عالی آیت‌الله آقاجفی - که در صورت لزوم در جلسات حضور می‌یافت - و با حضور مداوم و کارآمد روحانیون شهر تا زمان پیدایش دوره استبداد صغیر با اقتدار به حیات خود ادامه داد. این اقتدار انجمن بر همگان به خصوص شخص حاکم آنچنان محسوس بود که حاکم اصفهان گفت: «هر حکمی را که انجمن اعلام دارد من اطاعت و اجرا می‌کنم» (۷/ ش ۴۸، ص ۳). در دیدگاه روزنامه انجمن، از بدو تأسیس انجمن مقدس ملی

در اصفهان (۶ ذیقعدہ ۱۳۲۴) تا زمان وقوع کودتا علیه نهضت مشروطه، حضور و رهبری روحانیون اصفهان در انجمن تعیین‌کننده بوده و به همت ایشان شالوده آن ریخته شده و با کمک آنها حتی کمک نظامی، به فعالیت خود ادامه داد (۷/ش ۱۱، ص ۷). روحانیون اصفهان به منظور تقویت انجمن و پاسداری از نهضت مشروطه هر چهارشنبه انجمن اتحاد علمای بزرگ اصفهان را که متشکل از ۲۲ مجتهد طراز اول شهر بود، تشکیل می‌دادند (۷/ش ۳، ص ۴). گزارش اسناد حاکی از آن است که انجمن بدون حضور ثقة‌الاسلام تشکیل جلسه نمی‌داد و در هنگامی که ثقة‌الاسلام به منظور تنبیه مردم و جلب توجه آنان به خطرهایی که نهضت را تهدید می‌نمود، اعلام استعفا کرد، همگان هراسان شده خویشتن را بدون حامی یافتند (۷/ش ۴۱، ص ۳). از دیدگاه مجلس شورای ملی نیز موقعیت و جایگاه روحانیون اصفهان با اهمیت و تعیین‌کننده بود. مجلس خود را موظف می‌دید که جهت حل ناامنی و مشکلات موجود نه فقط اصفهان بلکه در منطقه جنوب کشور به آقاجفی و ثقة‌الاسلام تلگرافی قول حل مشکلات را بدهد، در این باب تلگراف مجلس شورای ملی به روحانیون اصفهان مبنی بر قول به رفع مشکلات و ناامنی از شیراز شایان توجه است (۷/ش ۳۹، ص ۳).

روزنامه انجمن مقدس ملی ارگان انجمن اصفهان

یکی دیگر از موضوعات درخور توجه درباره انجمن اصفهان ضرورت شناخت اجمالی ارگان آن، روزنامه (۳/ص ۶۶) انجمن مقدس ملی اصفهان است. نخستین شماره این روزنامه در تاریخ یکشنبه ۲۱ ذیقعدہ ۱۳۲۴ ه. ق مطابق ۶ ژانویه ۱۹۰۶ م در شهرستان اصفهان منتشر گردید. مسؤول یا مدیرکل آن آقا سید سراج‌الدین صدر جبل عاملی الموسوی، نگارنده و دبیر اداره آن میرزا محمدعلی که در مطبوعه سعادت اصفهان هر یکشنبه طبع و دوشنبه - بعضاً جمعه‌ها طبع و شنبه‌ها - منتشر می‌شده است (۷/ش ۱، ص ۱) روزنامه در داخل و خارج از کشور توزیع می‌گردید (۷/ش ۴۳، ص ۳) و در طول پنج سال تا مورخ پنج‌شنبه ۸ ذیحجه ۱۳۲۹ ه. ق آخر نوامبر ۱۹۱۱ م انتشار یافته است (۹/۲۹۲). البته در دوره استبداد صغیر روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان نیز همچون سایر جراید کشور تعطیل بود. روزنامه از ابتدا تا شماره ۲۱ سال دوم با نام روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان،

چاپ شد و از شماره ۲۲ سال دوم (۸/ ش ۲۲، ص ۱) به بعد با نام انجمن مقدس ولایتی اصفهان و از سال سوم به بعد با نام انجمن اصفهان منتشر گردیده است. روزنامه از ابتدا تا شماره ۶ دارای ۴ صفحه و از شماره ۷ به بعد در ۸ صفحه چاپ می‌شد. قیمت روزنامه تا شماره ۷ سالیانه ۱۵ قران و از شماره ۸ به بعد به دلیل افزایش تعداد صفحات سالیانه ۲۰ قران اعلام گردید.^۲ در صفحه اول نخستین شماره روزنامه هدف و جایگاه روزنامه را این چنین شرح داده است، «این جریده مطلق و آزاد است و از تمامی فواید و مصالح ملت و نتایج و مذاکرات انجمن مقدس ملی اصفهان و وقایع مهمه آن و هرگونه مطلبی که راجع به مواد سیاسی و پلتیکی و تجارتي و اجتماع ملی بوده باشد درج می‌شود» روزنامه هدف خود را توسعه دایره اسلامیت و نوامیس شریعت و قواعد تمدن و توسعه افکار و آرای ملت ذکر می‌نماید (۷/ ش ۱، ص ۱). در کنار این هدف به نظر می‌رسد روزنامه ضمن حمایت از اسلام و انجمن مقدس ملی اصفهان خود را موظف به حمایت کامل از نظرات و مواضع آقای ثقة‌الاسلام می‌دانسته و به‌جد از ایشان حمایت کرده است (۷/ ش ۷).

روزنامه نسبت به حکومت سلسله قاجار مواضع مخالف صریح اتخاذ کرد و به صراحت نوشت که: «آل قاجار در حق ملت ایران سیئات بزرگ انجام داده است» (۷/ ش ۱۶، ص ۷). هرچند که نباید از نظر دور داشت که بروز حوادث جزئی و کاملاً شخصی به‌خصوص مالی کافی بود تا روزنامه را تحت تأثیر خود قرار دهند (۷/ ش ۲۸، ص ۸).

از جمله نقاط مثبت دیگر روزنامه توجه جدی آن به امور و حوادث خارج از اصفهان است. اطلاعات آمده در روزنامه متنوع و در برگیرنده اهم حوادث مشروطیت در نقاط مختلف ایران به‌خصوص صفحات جنوبی کشور می‌باشد. توجه ساکنان این مناطق به روزنامه انجمن آنچنان بود که تصور می‌شد که روزنامه تنها محل رجوع انقلابیون جنوب ایران بوده است (۷/ ش ۱۱، ص ۷).

انجمن در دیدگاه روحانیون اصفهان

همان اهداف و انگیزه‌هایی که روحانیون اصفهان را متقاعد ساخت تا فعالانه در نهضت مشروطیت تلاش کنند، ایشان را به رهبری و حمایت از انجمن که برآمده از متن نهضت بود، وادار ساخت. نحوه نگرش ایشان به مشروطه و مجلس و حدود و ثغور آن قبل از این

گفته شد. به نظر می‌رسد پاسخ به این سؤال مهم ضروری است که در دیدگاه روحانیون اصفهان انجمن مقدس ملی چه ویژگی‌هایی داشت که با همه توان در جهت ایجاد و حفاظت از آن حرکت کردند؟ در پاسخ به سؤال باید گفت که، در اسلام اهتمام به امور عمومی از جمله وظایف هر فرد شمرده شده و در نظر روحانیون، انجمن مقدس ملی نماد تحقق چنین امری بود. آیت‌الله ثقة‌الاسلام به‌عنوان مسؤول انجمن اصفهان خدمات و کارنامه انجمن را طی نطقی مفصل در ۱۸ مورد برای مردم چنین برشمرد:

- ۱- انتخاب وکلای مجلس طبق نظامنامه ۲- انجام انتخابات انجمن مقدس ملی اصفهان طبق نظامنامه ۳- جلوگیری از مستبدین در کمال متانت و دانایی ۴- همراه کردن هفتصد هزار نفر با مشروطه در ولایت اصفهان! ۵- تأمین امنیت در شهر و طرق ۶- ممانعت از ظلم ظالمین که تاکنون دیناری تعدی به شهر و بلوک نداشته‌اند. ۷- اهتمام به فراوانی اجناس و ارزاق در اصفهان ۸- تقسیم عادلانه آب زاینده‌رود بدون درگیری‌های مرسوم ۹- تأسیس انجمن بلدیة و شروع به کار آن طبق نظامنامه ۱۰- تشکیل انجمن‌های متعدد که اطلاعات از مجلس و مشروطه دارند و ترویج فلاح و صناعت در اصفهان ۱۱- تشویق تولید منسوجات در داخل و تشویق مردم به استفاده از تولید داخلی ۱۲- رسیدگی به امور نظامیان و نظارت دقیق بر فعالیت آنها ۱۳- موضع گرفتن در برابر تعدی دولت عثمانی و کمک به دولت و ملت ۱۴- توسعه معارف و تأسیس مریض‌خانه و سیزده باب مدارس جدید ۱۵- ترتیب قشون ملی با حضور مردم به استعداد پنجاه هزار نفر به خرج ملت ۱۶- جمع‌آوری و پرداخت مالیات مطابق دستورالعمل مجلس ۱۷- نظارت انجمن به همه امور و کمک به دولت طبق نظامنامه ۱۸- تلاش جهت ایجاد بانک ملی در اصفهان (۷/ ش ۴۸، ص ۷).

قبل از این گفته شد که یکی از مشکلات اساسی که بر انجمن تحمیل شد و تقریباً تا آخر نیز کم و بیش وجود داشت، توقع مردم از انجمن در حل مشکلات شخصی و کشاندن آن به جزئیات بود. علی‌رغم این واقعیات اعتقاد راسخ روحانیون انجمن بر آن بوده که وظیفه انجمن پرداختن به امور کلی و اساسی است و انجمن حق رسیدگی به همه امور و همه ادارات را داراست (۷/ ش ۳۷، ص ۷). اما منظور کلی از رسیدگی، اجرا و دخالت مستقیم در امور نبود.

ثقة الاسلام در این باب به حاکم اصفهان نوشت: «انجمن حق عزل و نصب و تغییر ندارد. فقط نظارت دارند و شرط نظارت رسیدگی است. دیگر باقی امور با کارگزاران دولت است». لذا دایم این مهم گوشزد می‌گردید که وظیفه انجمن فقط نظارت می‌باشد و «قوه مجریه با حکومت است» (۸/ ش ۷، ص ۶ و ش ۱۱، ص ۲). تلاش انجمن بر آن بود که حتی المقدور از گرفتار شدن به امور اجرایی خودداری کند. اما چون ضرورت ایجاب می‌کرد یا مسؤولان امر در انجام وظایف محوله تعلل می‌ورزیدند، مستقیماً وارد به امور می‌شد و مالیات می‌گرفت و لو با تنبیه متخلفین، مترصد ایجاد امنیت بود حتی به قیمت تغییر حاکم اصفهان، با منصب‌فروشی مبارزه می‌کرد با معترضین به حقوق دولتی برخورد می‌نمود، متحصنین ظالم در اماکن مقدسه را بیرون می‌کرد (۷/ ش ۴۷، ص ۶ و ش ۴۶، ص ۸). رئیس قشون را مورد بازخواست قرار می‌داد. به تخلفات افراد ولو اتباع خارجی رسیدگی می‌نمود. اقدام به جمع‌آوری اسلحه و اعلام ممنوعیت حمل سلاح می‌کرد. با اصرار حکام نالایق را از طریق دولت مرکزی تعویض می‌نمود (۷/ ش ۱۲، ص ۲ و ش ۴۱، ص ۷). و بعضاً آنچنان در جزئیات وارد می‌شد که نحوهٔ قیابان‌داری ذغال را مشخص می‌نمود (۷/ ش ۱۳، ص ۲)، یا مقدمات تعمیر اصطبل میرآخور شهر را هم فراهم می‌کرد.

از جمله ویژگی‌های مهم انجمن ولایتی اصفهان که شاید در کارنامهٔ سایر انجمن‌های تشکیل شده در سطح کشور کمتر مشاهده شده است، موضوع حضور زنان در انجمن و مطرح کردن نظرات خود به‌خصوص در امور اجرایی و سیاسی بوده است (۷/ ش ۳۴، ص ۸). از دید روحانیون اصفهان، انجمن صرف نظر از بُعد انقلابی و تبلور مشروطیت در آن، از آن جنبه که انجمن وسیله‌ای جهت تحکیم مبانی اسلامی و اجرای دقیق قوانین شرع در جامعه بود، مورد احترام شمرده می‌شد. اضافه شدن صفت مقدس توسط روحانیون به نام انجمن ولایتی اصفهان خود حاکی از وجود چنین اعتقادی بوده است. البته روحانیون اصفهان حق داشتند چنین ماهیتی را برای انجمن قایل باشند، زیرا انجمن اصفهان با توجه به عملکرد و بافت ویژه‌اش در جهت مسیری که مورد نظر متشرعین بود حرکت می‌کرد. لذا به نظر می‌رسد تحت تأثیر چنین واقعیاتی بود که جناح روحانی عضو انجمن اصفهان به ۱۴ بلاد کشور تلگراف زد و حرمت مخالفت با مشروطه

را به آنها گوشزد نمود (۸/ ش ۳، ص ۶) و با آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری مجتهد اعلم پایتخت و مشروعه‌خواه نهضت مشروطه در افتاد و خلع محمدعلی شاه از سلطنت را اعلام و علیه او و اطرافیانش فتوای شرعی صادر کرد (۸/ ش ۳، ص ۸ و ش ۲۸، ص ۶).

موضع انجمن در قبال حوادث مهم، افراد و نهادها

از جمله دیگر مباحث مهم در خصوص انجمن ولایتی اصفهان که به شدت متأثر از حضور روحانیون و بافت اعضای آن بود، ضرورت شناخت مواضع انجمن در قبال نهادها و اشخاص و حوادث مهمی بود که مقارن با حیات انجمن پدیدار گشتند. شناخت این مهم جایگاه ویژه انجمن اصفهان و حدود کارآیی و استقلال آن‌را از اشخاص و جریانهای تأثیرگذار مشخص می‌سازد.

موقعیت نهاد سلطنت و شخص پادشاه از دیدگاه انجمن اصفهان بسته به موضع آن در قبال مشروطیت و مجلس شورای ملی بود. علی‌رغم آنکه محمدعلی شاه در ایام ولایتعهدی و اقامت در تبریز سابقه خوبی از خود در خاطر انقلابیون این شهر که قطب انکارناپذیر نهضت مشروطیت بودند، به جای نگذاشته بود و مردم تبریز پس از پیروزی مشروطه نسبت به وی نظر موافق نداشتند، انجمن اصفهان در بدو امر، جلوس میمنت مانوس شاه جوان‌بخت را بر تخت تبریک گفت (۷/ ش ۲، ص ۴). با سر باز زدن شاه از تأیید قانون اساسی و مقاومت در برابر مجلس، انجمن اصفهان اعلان کرد که نسبت به دولت و دربار و شاه سوءظن دارد و خواستار اصلاح رفتارشان در قبال نهضت شد (۷/ ش ۱۴، ص ۷). چون محمدعلی شاه خیال داشت امین‌السلطان را (که سابقه مناسبی نداشت) به ایران آورده و زمام امور صدارت و کشور را در دست او قرار دهد، انجمن امین‌السلطان را خائن به ملت و کشور، دربار را دشمن آزادی و مشروطه، و شاه را آلت دست مستبدین معرفی کرد (۷/ ش ۱۶، ص ۷). در سالگرد تشکیل مجلس شورای ملی که به زعم مشروطه‌خواهان شاه و دولت کمال همراهی را با مجلس شورا داشته‌اند، انجمن در تأیید شاه و اطرافیانش راه مبالغه پیمود (۷/ ش ۴۰، ص ۵). و چون حوادث منجر به کودتای مشترک استبداد داخلی و قدرتهای خارجی (روس و انگلیس) به دست محمدعلی شاه علیه مشروطه در سال ۱۳۲۶ ه. ق شد (۱۰/ ص ۶۲) و محمدعلی شاه ظاهراً مسبب اصلی

کودتا شناخته شد، انجمن با شدت تمام عوامل آشکار کودتا را محکوم کرد و روحانیون عضو انجمن اصفهان طی فتوایی خلع محمدعلی شاه را از سلطنت اعلام و ضرورت حذف مجموعه رجال کودتاجی مجتمع در باغشاه تهران را خواستار شدند (۷/ش ۲۸، ص ۶). هرچند که در عرصه عمل هنگام کودتا از یکصد و پنجاه هزار نفر مردم حامی مشروطه رژه رونده در میدان شاه خبری نبود^۳ و وعده‌ها از حد حرف فراتر نرفت (۷/ش ۴۱، ص ۲ و ش ۲۸، ص ۵). صرف نظر از مواضع فوق که متأثر از حوادث بود، دید کلی انجمن نسبت به مجموعه قاجاریه حاکی از آن بود که وجود آن سلسله مضر به حال ملت ایران بوده و آل قاجار بزرگترین سیئات را در حق ملت ایران انجام داده است (۷/ش ۱۶، ص ۷). انجمن اصفهان در برابر مجلس شورای ملی غالباً در موضع اطاعت و رعایت سلسله مراتب بوده است و چون احکام آن را عین اسلام می‌دانست، بیشترین توجه خود را معطوف به حمایت از آن نمود و مجلس را عصاره ملت، مساوی تمدن و مانع ظلم و استبداد معرفی کرده است و در مواقع وزش طوفان استبداد و تهدید کیان نهضت، انجمن مدعی بسیج و سازماندهی ۶۰ تا ۱۵۰ هزار نفر از مردم در حمایت از مجلس و مشروطیت شد (۷/ش ۴۱، ص ۲). ولی در بعضی اوقات نیز که اختلاف نظرهایی بین مجلس شورای ملی و انجمن بروز می‌نمود، انجمن بر اساس نظرات خود، در اصفهان عمل کرده است. از آن جمله اختلاف نظر جدی انجمن اصفهان با مجلس شورای ملی و دولت درباره نحوه تعیین حاکم برای اصفهان بود. «حضرت ثقة الاسلام: مسأله مهمه در پیش افتاده که آقای علاءالملک حاکم اصفهان شده، آدم خوبی و اهل قانون می‌باشند. اما در ماده ۹۹ نظامنامه انجمن ایالتی نوشته شده که حاکم که منصوب می‌شود باید از انجمن ملی آن محل استعلام شود. اگر چه رأی اعضاء انجمن لازم الاجراء نیست و این استعلام واقع نشده و اگر یک حق ملت اجراء نگردد هیچ حق از حقوقشان اجراء نخواهد شد... بین اعضاء در این ماده مذاکرات زیاد شد که آیا باید بر حسب حق خود به تهران به مجلس دارالشورا پروتست شود تا جواب بیاید یا نه؟ تلگرافی ترسیم کرده مخابره نمودند» (۸/ش ۱۲، ص ۱).

نمونه‌ای دیگر از اختلافات اصفهان و مجلس شورای ملی را می‌توان در موضوع ایالت یا ولایت بودن منطقه اصفهان پی گرفت. انجمن اصفهان از بدو تأسیس بر آن اعتقاد

داشت که باید اصفهان از مرتبه ولایت به ایالت ارتقا یابد و انجمن اصفهان نیز ایالتی محسوب شود و در این زمینه انجمن به کرات مجلس شورای ملی را تلگرافی مخاطب قرار داد و ادله فراوان اقامه کرد که در صورت مخالفت با ایالت محسوب شدن اصفهان «برخلاف میزان نظامنامه (عمل شده) و دوکرور جمعیت شهر و بلوکات آن خاک راضی نخواهد شد. مستدعی است مرحمتی تلگرافی در شناخته شدن اصفهان جزء ایالات عاجلاً مرقوم که عموم ما متشکر و رفع شکایت آنها بشود» (۷/ ش ۳۷، ص ۸ و ش ۷، ص ۲ و ش ۲۲، ص ۱) علی‌رغم اصرار دایم انجمن، این درخواست مورد پذیرش مجلس شورا قرار نگرفت و اصفهان ناباورانه ماهیت ولایتی خود در کشور را پذیرفت و عنوان روزنامه ارگان آن به انجمن مقدس ولایتی اصفهان تغییر نام یافت و مهر انجمن را از ملی به ولایتی تغییر داد و مهر انجمن ملی شکسته شد (۷/ ش ۲۲، ص ۱ و ۸/ ش ۲۵، ص ۴).

از جمله موارد دیگری که باعث بروز تنش در روابط مجلس شورا و انجمن اصفهان شد مسأله ورود ظل‌السلطان - حاکم سابق - به اصفهان و مخالفت جدی مردم و انجمن اصفهان (۷/ ش ۳۴، ص ۶) علی‌رغم درخواست مؤکد مجلس شورای ملی، با این امر بود.

یکی دیگر از مسائلی که انجمن اصفهان به وضوح در قبال آن اعلام موضع کرد، اظهار نظر درباره دو گروه مشروطه خواهان و مخالفان مشروطیت بود. انجمن با روحانیون مخالف مشروطه در اصفهان، با صراحت و از موضع قدرت برخورد کرد و برای خود این حق را قایل شد تا محدودیت‌هایی درخور توجه را علیه این گروه به کار بندد!

اما در مواجهه با مشروطه خواهان تهران به خصوص آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری، انجمن ابتدا راه تأیید شخص شیخ فضل‌الله را پیمود و ضمن تقبیح برخی توهین‌های صورت گرفته به ایشان، اهانت به شیخ را اهانت به همه علمای دانست و آیت‌الله فقه‌الاسلام شهادت داد که تاکنون شیخ در جهت تقویت مشروطه و مجلس شورا تلاش کرده است (۷/ ش ۲۸، ص ۴). چون تصور بر این بود که مجلس مقدس حفظ مراتب توحید و مسلمانی می‌کند و وظیفه نمایندگان را وضع قانون به مقتضای حال می‌دانستند نه دخالت در شریعت (۷/ ش ۳۸، ص ۲ و ش ۳۳، ص ۲)، لذا همه علمای اصفهان قرآن مهر کردند و سوگند خوردند که در حمایت از مشروطه بکوشند. بر این اساس بود که آیت‌الله

ثقة الاسلام به عنوان نماینده انجمن اصفهان در مخالفت با شیخ فضل الله نوری که مشروطه اجرا شده در ایران را منطبق با موازین اسلامی نمی دانست، به شدت موضع گرفت (۷/ ش ۳، ص ۸). آنچه در این میان شایان توجه می باشد، ذکر این نکته است که با توجه به اصول و اعتقادات دینی مشترک شیخ فضل الله و ثقة الاسلام رئیس انجمن اصفهان و اصرار این دو به ضرورت صیانت از اسلام و حاکمیت آن در جامعه، آیا نهضت مشروطه در نگرش کلی با توجه به عملکرد آن، تلاشی به عمل آورد که اصول و مقررات شرعی را در جامعه تحقق بخشد تا درخور ستایشها و تلاشهای روحانیون و انجمن اسلام گرای اصفهان باشد؟

از جمله محورهای عمده دیگری که شناخت مواضع انجمن در قبال آن ضرورت دارد، مسأله مسعود میرزا ظل السلطان حاکم مقتدر و شاه گونه اصفهان است. وی مقارن با پیروزی نهضت مشروطه حاکم بلامنازع نه تنها اصفهان که جنوب ایران بود (۲/ ص ۸۰) و مردم اصفهان بعد از پیروزی نهضت مشروطه بنا به سابقه قبلی علی رغم آنکه ظل السلطان در انجمن اعلام کرد که سیف قاطع و نفوذ و تسلطش در اختیار مجلس شورای ملی است (۷/ ش ۱، ص ۳) حاضر به پذیرش حکومت او در اصفهان نبودند، لذا با جدیت تمام و سازماندهی ضمنی مخالفت های مسالمت آمیز پی در پی مردم، عزل او را از حکومت اصفهان درخواست کردند و در نهایت دولت طی تلگرافی خبر عزل ظل السلطان از حکومت اصفهان را به اطلاع ثقة الاسلام رئیس انجمن رسانید (۷/ ش ۱۲، ص ۵) و در ماههای بعد نیز که وی قصد سرکشی به املاک و خانواده خود را در اصفهان داشت، مردم و انجمن با ورود وی حتی به اطراف اصفهان - علی رغم حمایت سفارتخانه های خارجی و موافقت مجلس شورای ملی - مخالفت کردند (۷/ ش ۳۴، ص ۳-۶ و ش ۲۷، ص ۶-۱) و بدون توجه به تلگرافهای تهدید آمیز ظل السلطان، نسبت به ادامه کار و فعالیت همکاران سابق وی در اصفهان نیز اعتراض داشتند، اما در ماههای بعد مخالفت مشترک انجمن اصفهان و ظل السلطان با محمد علی شاه که هر یک با انگیزه های ویژه خود با وی درافتاده بودند، آنها را به یکدیگر نزدیک ساخت و تلگرافهای محبت آمیز بین ایشان رد و بدل شد و چون غائله مخالفت محمد علی شاه با مشروطه بالا گرفت. انجمن طی تلگرافی به مجلس شورای ملی ضرورت عزل محمد علی شاه از سلطنت و انتخاب ظل السلطان را

- که هوادار مشروطه شده بود - به عنوان نایب‌السلطنه ایران درخواست کرد (۸/ ش ۶، ص ۵ و ش ۲۷، ص ۸).

آخر سخن به شناخت مواضع انجمن درباره قرارداد غیرمنطقی و نامناسب ۱۹۰۷ م (۶۲/۱۰) روس و انگلیس در خصوص کشورهای جنوب غربی آسیا به خصوص ایران اختصاص دارد. قبل از بیان موضع انجمن اصفهان ذکر این نکته ضروری است که مجلس اول نسبت به قرارداد، موضعی نسبتاً معتدل داشت و دولتمردان آن را مفید به حال مشروطه دانسته بودند. اما دیدگاه انجمن اصفهان غیر از این بود: «معاهده روس و انگلیس در نفوذ تجارت خود می‌نماید. خانه از دیگری صاحبش زنده، دارند خانه را قسمت می‌کنند... آیا یکی نیست این نکته را درک کند که یعنی ایران جزو مملکت خودمان است و کسی را صاحب نمی‌دانیم» (۷/ ش ۴۵، ص ۳). آیت‌الله ثقة‌الاسلام در جلسه شنبه ۲ شوال ۱۳۲۵ ه. ق انجمن، مجدداً در خصوص قرارداد ۱۹۰۷ م گفت: «در باب هر دولتی معاهده نوشتند مقید به امضاء آن دولت نمودند. مثل امیر افغانستان و تبت و غیرهما. اما در این معاهده اسم دولت ایران را نبرده‌اند، به این معنی که ما محل اعتنا نیستیم و شرف ما را برده‌اند» (۷/ ش ۴۶، ص ۴).

با توجه به تلاش روس و انگلیس جهت کشانیدن مجلس و دولت به موضع بی‌تفاوتی در قبال قرارداد ۱۹۰۷ مخالفت صریح انجمن اصفهان درخور توجه است.

نتیجه

رستاخیز اصلاح ساختار سیاسی جوامع که در طلیعه سده اخیر به اوج خود رسید، اغلب کشورها به خصوص کشور ما ایران را نیز متأثر از برکات خود کرد. در ایران آن زمان هر فرد یا جریانی که با استعدادتر و به اوضاع زمان خود آگاه‌تر بود و مشکلات و موانعی را که سد راه استقلال و توسعه همه جانبه کشور بود سریع‌تر و صحیح‌تر درک می‌نمود، در جهت تحقق توسعه و سعادت ملت و کشور با ایمان و استواری بیشتری قدم برداشته است. در اصفهان مقارن با این نهضت فراگیر و ضروری، روحانیون شهر به لحاظ موقعیت علمی شاخص و ارتباط صمیمی با مردم و بازار و اقشار نوخواه و خوش سابقه در مبارزه با پدیده نامیمون استبداد داخلی و استعمار خارجی، این موقعیت برایشان

فراهم آمد تا نهضت عدالت‌خواهی مشروطه را رهبری نموده و به انجام رساندند. لذا نهادهای سیاسی برخاسته از آن نظام، همچون تشکیل انجمن مقدس ملی - انجمن ولایتی اصفهان - با حمایت قاطع روحانیون در اصفهان شکل گرفت و زودتر از بسیاری نقاط کشور عملاً عهده‌دار وظایف محوله - و حتی فراتر از آن - گردید.

اقدام روحانیون در تأسیس روزنامه انجمن مقدس ملی در اصفهان به عنوان ارگان انجمن، از جمله خدمات ذی‌قیمتی بود که به مدت پنج سال تداوم یافت و محتوایش روشنگری‌بخش درخور توجهی از تاریخ نهضت مشروطیت در کشور و منطقه اصفهان و تعیین‌کننده اوضاع اجتماعی و چگونگی فعل و انفعالات سیاسی آن دوران در اصفهان بود و حلقه اتصال مردم و انجمن به‌شمار می‌رفته است.

به یقین اگر روحانیت اصفهان در تأسیس انجمن مقدس ملی فعالانه شرکت جست و همه اعتبار مادی و معنوی خود را در جهت استقرار و قوام آن به کار بست، با آن انگیزه به میدان آمد که نه تنها نهضت مشروطیت که ارگانهای برخاسته از آن، چون انجمن مقدس ملی را ابزاری مفید و لازم در جهت تحقق عملی اسلام و اقتدار دین و مبارزه با استبداد و استعمار می‌پنداشت و تصور می‌کرد که از آن طریق به آرمانهای دینی و ملی خود نایل خواهد گشت.

علی‌رغم آنکه مجلس شورای ملی هنوز دستورالعملی مشخص در زمینه انواع انجمن‌ها، حیطه فعالیت و وظایف و اختیارات آنها، تدوین و ارسال نکرده بود، روحانیون فعال در انجمن اصفهان، ابتدا انجمن را در اصفهان مستقر نمودند و سپس با قدرت و سرعت در مناطق همجوار - در جنوب و جنوب شرقی کشور تا سواحل خلیج فارس - به تأسیس انجمن‌های ایالتی و ولایتی کمک نمودند و از حمایت معنوی و سیاسی خود برخوردارشان ساختند.

از جمله ویژگیهای انجمن اصفهان و اقدامات مهم روحانیون مؤسس آن، می‌توان به امور ذیل اشاره نمود: بسیج گسترده و بی‌نظیر مردم در جهت حمایت از اهداف نهضت مشروطیت، تأسیس و استقرار دهها انجمن سیاسی و انجمن‌های متعدد ایالتی و ولایتی، تلاش در زمینه پاسخگو بودن مسؤولان و متصدیان امور در قبال مردم و تعمیم روحیه پرسشگری منطقی در مردم، انجام اقداماتی مثمرتر در اصلاح امور نظامی، مالی، تجاری منطقه، ارائه خدمات رفاهی و اقتصادی و تلاش در جهت استقرار

مؤسسات اجتماعی جدید چون بانک و مدارس جدید. لذا می‌توان مدعی شد که انجمن اصفهان نسبت به کارنامه سایر انجمن‌های معاصر خود، از جمله نمونه‌های پرکار و موفق در سطح کشور بوده است.

غرق شدن انجمن در جزئیات و توجه الزامی به خواسته‌های کوچک و شخصی که اقتضای زمانه بود، توقع بیجای برخی جریانهای درون‌شهری و اقشاری از مردم، مانع از آن می‌شد که انجمن مقدس ملی به رسالت خود عمل نموده و بعضاً موجب یأس هواداران پرشور خود می‌گردید.

انجمن و روحانیون فعال در آن، آنگاه که بر اساس درک و تشخیص، خود را در موضوع یا رخدادی محق می‌دانستند با استقلال و قاطعیت تمام وارد به امور گردیده و جایگاه و موقعیت طرف مقابل - ولو مجلس شورای ملی، شاه و دربار، دولت و حاکم اصفهان بود - تأثیر چندانی بر خواسته‌ها، مواضع و اقدامات آنها نمی‌گذاشت.

پی‌نوشت

- ۱- این جمله از قول ظل‌السلطان فرزند ناصرالدین شاه و حاکم اصفهان بیان شده است.
- ۲- از این روزنامه تاکنون از شماره ۱ سال اول تا شماره ۲۸ سال دوم به صورت کامل و ۲۳ شماره از سال سوم و ۲ شماره از سال چهارم و ۳ شماره از سال پنجم به‌خصوص آخرین شماره آن پیدا شده و به شرح ذیل در کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان موجود است (شماره‌های پراکنده موجود از سال سوم: ۸-۱۳-۱۶-۱۷-۲۶-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۳-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۱-۴۴-۴۸-۴۹-۵۰-۵۲-۵۴-۵۷ و ۸۱ و از سال چهارم شماره‌های ۱۸ و ۲۵ و از سال پنجم شماره‌های ۸ و ۱۲ و ۱۳). قابل ذکر است که روزنامه تا شماره ۶ سال اول ۴ صفحه و از شماره ۷ تا پایان سال دوم ۸ صفحه و در طول سال سوم ۴ صفحه و در سالهای چهارم و پنجم ۸ صفحه منتشر می‌شده است. اوقات چاپ و توزیع روزنامه در طول مدت انتشار به شرح ذیل بوده است: در سالهای اول و دوم هر هفته یک شماره و در سال سوم هر هفته دو شماره و در سال چهارم و پنجم نیز هر هفته یک شماره چاپ و منتشر می‌شده است. صدرهاشمی در جلد ۱ کتاب تاریخ جرائد و مجلات ایران اظهار داشته است که: روزنامه تا شماره ۱۳ سال پنجم به تاریخ پنجشنبه ۸ شهریور ذیحجه ۱۳۲۹ قمری آخر نوامبر ۱۹۱۱ م منتشر گردیده و به سال پنجم خاتمه پیدا کرده است. ادوارد براون نیز نوشته است: «تعداد زیادی از شماره‌های انجمن مقدس ملی اصفهان از تاریخ ۱۳ ربیع‌الثانی

۱۳۲۵ قمری، ۲۶ مه ۱۹۰۷ میلادی که شماره ۲۱ از سال اول است تا شماره ۳۸ از سال چهارم مورخ ۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ هجری (۷ آوریل ۱۹۱۱ میلادی) در مجموعه اینجانب موجود می‌باشد. ر.ک. ادوارد براون، ج ۲، ردیف ۶۶.

۳- درک علل وقوع چنین رخدادی تلخ در رفتار مردم اصفهان و عدم حمایت از نهضت در هنگام نیاز را باید در حوادث شکل گرفته در درون نهضت توسط جناحهایی خاص در ضدیت با حاکمیت دین یافت که مطرح نمودن آن به مجال دیگری نیاز دارد.

منابع

- ۱- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. المآثر و الآثار چهل سال تاریخ ایران، تعلیقات محبوبی اردکانی، چاپ اول، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۸.
- ۲- بامداد، مهدی. شرح حال رجال ایران در قرنهای ۱۲، ۱۳، ۱۴، ج ۳ و ۴، چاپ چهارم، انتشارات زواره، تهران، ۱۳۷۱.
- ۳- براون، ادوارد. تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، انتشارات کانون معرفت، تهران، ۱۹۵۸ م.
- ۴- جناب، میر سیدعلی. الاصفهان، چاپ دوم، انتشارات گله‌ها، اصفهان، ۱۳۷۱.
- ۵- حائری، عبدالهادی. تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴.
- ۶- دوانی، علی. نهضت روحانیون ایران، انتشارات بنیاد فرهنگی امام رضا(ع)، بی‌جا، بی‌تا.
- ۷- روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، سال اول، از شماره ۱ تا شماره ۴۹ تاریخ ۲۱ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ تا ۲ ذی‌قعدة ۱۳۲۵.
- ۸- روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، سال دوم، از شماره ۱ تا شماره ۲۸ از تاریخ ۱۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۵ تا ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۶.
- ۹- صدرهاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، چاپ دوم، انتشارات کمال، اصفهان، ۱۳۶۳.
- ۱۰- مهرعلیزاده، مهدی. «اثرات قرارداد ۱۹۰۷ م بر نهضت عدالت‌طلبی»، مجله مدرس فصلنامه دانشگاه تربیت مدرس تهران، دوره اول، شماره ۴، تعداد صفحات مقاله ۱۳، ۱۳۷۰.
- ۱۱- نوری، آقاشیخ فضل‌الله. لوایح، به کوشش هما رضوانی، چاپ اول، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۶۲.



پښتونستان د علوم او مطالعات فرانسې
پرتال جامع علوم انسانی